

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین – پانزدهم جنوری 2013

تیموری صاحب بزرگوار!

نودسالگی تان مبارک باشد!

سال گذشته در همین روز، سالگره هشتاد و نهم تولد شما شاعر زیباکلام و نویسنده آزاده را جشن گرفتیم و اکنون کمال مسرت داریم و بخود میبایم که وجود ذیجود تان به خیر و سلامت، پا به نودسالگی گذاشته اید. وقتی دیروز چاردهم جنوری، تلفونی جویای احوال شما بزرگوار گشتم، ضمن دیگر گیها به رسم خوشطبعی فرمودید:

«صبح نودساله میشم، ولی شما موضوع را در پورتال نشر نکنین، که نظر نشم!!!»

خنده کرده گفتم:

«تیموری صاحب بزرگوار! در خانه اسپند داریم، حتماً از آن دود میکنیم!!!»

حدوداً شش ماه پیش که تلفونی با شما، تیموری صاحب، گرم صحبت بودم، فرمودید که به تاریخ پانزدهم جنوری سال آینده، پا به نودسالگی خواهید گذاشت. و من این تاریخ را به حافظه سپرده بودم و کاملاً مطمئن بودم که حافظه به عهد خود وفا میکند. قرار را چنان گذاشته بودم که ضمن صحبت تلفونی دیروز از موضوع خدمت تان حتی دور اندخته و تلویحی هم اشارتی نکنم و بگذارم که تبریکات پورتال و این ارادتمند را خود تان صبح وقت امروز مطالعه نمائید. قرار را بر این هم نهاده بودم که علی الصباح زودتر از هر کس دیگر خدمت تان تلفون کرده و مراتب تبریکات خود را ابراز بدارم. مگر چه بجا گفته اند، که:

«هر خواستن توانستن نیست!!!»

شما خود موضوع را به میدان انداختید و بند و بست من بیچاره هر دم شهید را برهم زدید!!!



تیموری صاحب بزرگوار با راقم این سطور در خانه فرزند ارجمند شان،
داکتر صاحب ظاهر جان تیموری

خوانندگان ارجمندی که صفحات پورتال را روزمره از نظر اشرف خود میگذرانند، حتماً متوجه حضور دائمی و بلاناغه چار تن شاعر گرانمایه پورتال شده اند. من این چار تن مبارک ارجمند را "چار یار باصفای پورتال" نامگذاری کرده ام؛ که به حساب کبر سن عبارتند از:

- خود شما، جناب تیموری صاحب بزرگوار
- استاد سخن و فخرالشعراء، "اسیر" صاحب
- جناب الحاج خلیل الله ناظم باختری
- و جناب نعمت الله جان مختارزاده

با اشعار آبدار "چار یار باصفا"، روزمره سر و کار دارم و در هنگام ترتیب و تنظیم و آماده سازی آنها برای نشر در صفحه روز بعد، چه لذتهاست که نمیبرم. مگر نه تنها با اشعار "چار یار" در تماس دائم استم، بلکه خدا نگیره تلفون را که از طریق آن با ایشان تماس منظم شخصی هم دارم. در اثر تماسهای مداوم، از احوال گذشته و حال "چار یار" عزیز اطلاع حاصل گشته و خوشحالم که صمیمیت ما تا این حد به نزدیکی گرائیده است. ولی امروز که روز تولد خجسته شما، تیموری صاحب نازنین است، بگذارید که فقط از شما حدیث گویم.

کارنامه زندگانی شما، تیموری صاحب، خیلی جالب و آموزنده است. تیموری صاحب! شما انسانی پرتلاش و مرد عزم و سعی و عمل استید. وقتی شروع به تحصیل میکنید، که فرزندان جوان و برومند دارید. و چقدر خوش آیند است وقتی میثنویم که شما یکجای با دختر عزیز خود زینب جان در پوهنتون کابل ثبت نام میکنید؛ شما در پوهنځی حقوق و زینب جان عزیز در فاکولته طب. و پسر بزرگ تان ظاهر جان ارجمند یک سال پیش ازین تاریخ، شامل پوهنځی طب همین پوهنتون گردیده است. و چه نادر است که پدر و فرزندان همزمان مشغول تحصیل باشند!!! خوشا به حال شما، تیموری صاحب عزیز، و هزاران آفرین و زه و تحسین به عزم متین تان، که مافات را خواسته اید حتماً جبران کنید و چیزی را که در عُنفوان جوانی برای تان میسر نبوده است، در وقتی برآورده بسازید که پدر استید و فرزندان جوان و بسر رسیده دارید.

تیموری صاحب بزرگوار!

شما مرکز فعالیت و تحرک و تجمع فرهنگی فامیل بزرگ و عزیز تان میباشید و بر اثر تشویق و ترغیب و تشجیع شما بوده است، که پای چندین تن از اعضای عزیز خانواده تان به پورتال خود تان، "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" کشانده شده است.

تیموری صاحب عزیز!

شما ظاهراً نودساله شده اید، ولی صدها بار شکر که همت و انرژی صدها جوان را دارید. بسیار میسزد که همه ما و از ما کهتران و از ما بهتران، از همت و پشت کار و زحمتکشی تان بیاموزیم و شما را سرمشق خویش قرار بدهیم.

از صمیم دل آرزو میکنم تیموری صاحب عزیز، و ای انسان بلندهمت و مرد سعی و عمل، که سالهای سال به سلامت باشید و از فیض جاری خود همه را مستفید بسازید. این را نیز از ته دل آرزو میکنم، که ده سال دیگر زنده باشم - و خدا کند که خانم عزیزم نشنود - و صدمین سالگرد تولد شما را در جمع دوستان با جمع و جوش و هزاران شاد باش و شاد زی، جشن بگیریم!!!!!!

شعر باید گفت، شیرین و عذب چون عنصری

همت مردانه باید داشتن، چون تیموری